



مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35022>



مقاله پژوهشی

اهداف و اصول حقوقی و اخلاقی حاکم بر رسیدگی در شورای حل اختلاف بر مبنای عدالت ترمیمی

یارالله کاکولوند^۱، ناصر قاسمی^{۲*}، فرید محسنی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف، همواره یکسری اهداف و اصول حقوقی و اخلاقی دنبال می‌شود، از جمله اهداف مزبور می‌توان به حل و فصل اختلافات در راستای کاهش مراجعه مردم به دادگاه، سپردن امور مردم به دست خویش، قضا‌دایی، سرشکن نمودن هزینه‌های دادرسی و ممانعت از طولانی‌شدن رسیدگی و تضييع حقوق اصحاب دعوی، اشاره نمود. پیگیری این اهداف باید در چارچوب اصول حاکمی باشد که برای شورا بر مبنای آموزه‌های عدالت ترمیمی پیش‌بینی شده است. هدف این مقاله تبیین اهداف و اصول اخلاقی حاکم بر رسیدگی در شورای حل اختلاف با تکیه بر رویکرد عدالت ترمیمی، می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش اجرای تحقیق در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است. در پژوهش حاضر از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری از کتب و مقالات می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای نگارش این مقاله اصول اخلاقی صداقت و امانتداری رعایت گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که در شورای حل اختلاف یکسری اهداف حقوقی و اخلاقی دنبال می‌شود؛ که اهداف مد نظر، بعضاً با اتکا به اصولی نظیر اصل استقلال، اصل بی‌طرفی، اصل سرعت، اصل علنی‌بودن دادرسی و اصل اتقان، قابل دستیابی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: در رسیدگی شورای حل اختلاف، با تأکید بر دستیابی به اهدافی که بر مبنای عدالت ترمیمی دنبال می‌شود، پیروی از اصولی نظیر استقلال، بی‌طرفی، سرعت، علنی‌بودن و اتقان، ضروری است. این اصول زمینه دستیابی به اهداف حقوقی و اخلاقی، شامل حل و فصل بهینه اختلافات، سپردن امور مردم به دست خویش، تقویت رسیدگی در شورا و قضا‌دایی، سرشکن نمودن هزینه‌های دادرسی و ممانعت از طولانی‌شدن رسیدگی، خواهد بود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

شورای حل اختلاف

رسیدگی

اصول حقوقی و اخلاقی

اهداف حقوقی و اخلاقی

* نویسنده مسئول: ناصر قاسمی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: 1133913615

پست الکترونیک:

dr.ghasemi76@yahoo.com

۱. مقدمه

در مرجع شورای حل اختلاف اهدافی دنبال می‌شود که این اهداف بیشتر جنبه حقوقی دارند لیکن از آنجایی که زیربنای تئوری شوراها کاستن از آفات رسیدگی‌های رسمی و تمشیت امور توسط ریش‌سفیدان و بزرگان است، جهاتی اخلاقی نیز در آن‌ها، کانون توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت، سازوکارهایی که در این نهاد در جهت صلح و سازش و عدالت ترمیمی صورت می‌پذیرد، در چارچوب اصول اخلاقی نمودار می‌شود. فرضاً شخص یا اشخاصی را می‌توان نام برد که در روستاها و عشایر بین اقوام و طوایف به میانجی‌گری می‌پردازند و طبق اصول حقوقی که بعضاً در شوراهای حل اختلاف در کلان‌شهرها به صورت رسمی در نظر گرفته شده است و تابع اصول رسمی می‌باشد، عمل نمی‌نمایند، بلکه رسیدگی در میان آن‌ها با استناد به اصول اخلاقی و فرهنگ عشیره‌ای پیش می‌رود که می‌تواند با تأثیرپذیری قابل توجهی اختلاف را به صلح و سازش ختم نماید. انتظاری که بر اساس آموزه‌های عدالت ترمیمی از دیگر مراکز شورای حل اختلاف می‌رود این است که به این رویکرد نزدیک شوند.

در سال‌های اخیر پیشگیری از جرم از طریق نهادهای مختلف جامعه مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و در بسیاری از کشورها به موازات سازمان‌های قضایی رسمی، مؤسساتی تشکیل شده‌اند که بدون آنکه بتوان به آن‌ها عنوان دادگاه مدنی خاص داد، عملاً حل اختلاف میان اشخاص را در محدوده صلاحیت خود بر عهده دارند. در این بین شورای حل اختلاف به عنوان نهادی که از پیچیدگی‌های فرآیند دادرسی در محاکم دادگستری برخوردار نیست و به عنوان نهادی اجتماعی که طرفین با حضور در آن سعی دارند تا اختلاف خود را از طریق اتکا به اصول حقوقی - اخلاقی توأم با سازش، حل و فصل کنند و وارد فرآیند دادرسی نگردند، اهمیت ویژه‌ای یافته است، لذا در این مقاله سعی شده است که اهداف

و اصول حقوقی و اخلاقی حاکم بر رسیدگی در شورای حل اختلاف با نظرداشت رویکرد عدالت ترمیمی، بررسی شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله از اصول اخلاقی و حرفه‌ای تبعیت شده است و مفاد تحقیق، از ابتدا تا انتها، ضمن پابندی به اصول صداقت و امانتداری، تهیه و تدوین گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از حیث نوع تحقیق، نظری است. همچنین، روش اجرای تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی برای تبیین و بررسی مسائل تحقیق استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز فیش‌برداری از کتب و مقالات مربوطه بوده است.

۴. یافته‌ها

با بررسی‌ها و مطالعاتی که در زمینه مسأله تحقیق صورت پذیرفت، مشخص گردید که در شورای حل اختلاف یکسری اهداف حقوقی و بعضاً اخلاقی مثل حل و فصل اختلافات در راستای کاهش مراجع مردم به دادگاه، سپردن امور مردم به دست خویش، ارتقای وضعیت رسیدگی در شورا و لزوم قضازدایی، سرشکن نمودن هزینه‌های دادرسی و ممانعت از طولانی‌شدن فرآیند رسیدگی، دنبال می‌گردد. اهداف فوق‌الاشعار، حسب مورد با اتکا به اصولی نظیر اصل استقلال، اصل بی‌طرفی، اصل سرعت، اصل علنی بودن دادرسی و اصل اتقان، قابل دستیابی می‌باشند.

۵. بحث

۵-۱. تعاریف و مفاهیم: در این قسمت سعی شده است اصطلاحات فنی و تخصصی تحقیق تبیین گردند که در ذیل به مطالعه آن‌ها پرداخته شده است.

۵-۱-۱. شورای حل اختلاف: اصطلاح شورای حل اختلاف متشکل از سه واژه «شورا»، «حل» و «اختلاف» است. شورا به معنای مشورت، مشاوره کردن، کنکاش نمودن، رایزنی و نظرخواهی است. حل به معنای بازکردن گره، گشودن و حل مشکل می‌باشد. اختلاف نیز به معنای نزاع و کشمکش، سرپیچی و نافرمانی آمده است.

در معنای اصطلاحی شورای حل اختلاف هیأتی است مرکب از سه عضو که صلاحیت شور و گرفتن تصمیم نسبت به امر یا اموری از جمله صلح و سازش بین دو طرف در امور مدنی و جزایی و حل و فصل دعاوی را داشته باشند. ماده ۱ قانون شورای حل اختلاف مقرر می‌دارد: «به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضاییه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد.» این ماده به نظارت قوه قضاییه بر شوراهای حل اختلاف اشاره نموده است. اگر شوراهای حل اختلاف را یک نمونه از میانجی‌گری حساب کنیم، می‌توان آن را یک نوع میانجی‌گری درون سیستمی دانست، زیرا توسط و با نظارت خود قوه قضاییه صورت می‌گیرد (۱).

۵-۱-۲. عدالت ترمیمی: ظهور مفهوم عدالت ترمیمی (Rostorative Justice)، حاصل تحول در نگرش‌های عمومی حقوقدانان کیفری و نیز جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری است که مبتنی بر تقابل عدالت کیفری (Criminal Justice) مبتنی بر «جزا و سرکوب (Punishment and Repression)» و عدالت کیفری مبتنی بر «اصلاح و تربیت (Rehabilitative Justice)» است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری

خلاق و پویایی را معرفی می‌کند. این پدیده نوظهور، صرف نظر از پیشینه‌های تاریخی و فرهنگی و قبل از نظریه‌پردازی، ابتدا در خلال برنامه‌های مختلف خانواده عدالت ترمیمی، نظریه میانجی‌گری کیفری، محافل تعیین حکم و مجازات، گفتگوی گروه‌های خانوادگی و... تجربه شده و سپس اصول اساسی و اهداف و کارکردهای آن تئوریزه شده است» (۲).

۵-۱-۳. اصول حقوقی: به اعتقاد Jean Boulanger اصول حقوقی ایده‌های اصلی هستند که قوانین بر مبنای آن وضع می‌شوند، وی اصول حقوقی را نظام‌بخش قواعد حقوقی می‌داند. بنابراین مطابق این دیدگاه اصول حقوقی جایگاهی فراقانونی دارند و علیرغم اینکه به شکل قانون نیستند، ولی ارزش قانون دارند (۳).

این تعریف نیز به مانند تعاریف گذشته، بخشی از حقیقت اصول حقوقی را نمایان می‌کند و بر محوری‌بودن جایگاه اصول حقوقی نسبت به نظام حقوقی تأکید دارد، ولی متضمن تعریف جامعی از این مقوله نیست، زیرا به عمده‌ترین ویژگی‌های اصول حقوقی که بتواند این احکام را از سایر احکام مشابه تمایز کند، اشاره نمی‌کند.

یکی دیگر از حقوقدانانی که اصول حقوقی را تعریف کرده است، Hermann Becker اتریشی است. وی گفته است: اصول کلی حقوقی، قواعد نانوشته‌ای هستند که در یک جامعه معین از سوی وجدان عمومی به منزله قانون پذیرفته می‌شوند» (۳).

نکته قابل توجه در این تعریف این است که تأکید می‌کند، اصولی حقوقی وجود دارند که فراتر از قانون قرار داشته و قانونگذار آن را وارد در متون قوانین نکرده است، ولی مفهوم مخالف این نکته قابل انتقاد است، زیرا شمار زیادی از اصول حقوقی وارد در متون قوانین شده‌اند و ماهیت اصل بودن را حفظ کرده‌اند. بنابراین در تعریف اصول حقوقی نباید قلمرو آن را محدود کرد.

آن است. رسیدگی به دعاوی مشمول ماده ۸ این قانون بدون هزینه دادرسی است.» بنابراین، در شورا سازش به صورت رایگان و رسیدگی به سایر دعاوی هم با کمترین هزینه ممکن صورت می‌گیرد. بنابراین مشکل پرداخت هزینه‌های گزاف دادرسی در این تأسیس همسو با اهداف عدالت ترمیمی مرتفع شده است.

هدف از ایجاد شورای حل اختلاف نیز همسویی با این آموزه‌های اخلاقی و همچنین گرایش به عدالت ترمیمی است و عدالت ترمیمی با واگذاری بخشی از اداره دستگاه قضا به مردم و جامعه و مشارکت آن‌ها صرفاً با تکیه بر اصول اخلاقی و حقوقی، محقق می‌شود. در شورا رسیدگی‌کنندگان خود را بر اساس مسؤولیت اجتماعی و اخلاقاً موظف به رسیدگی به اختلافات مردم می‌دانند، چراکه بعضاً بدون حقوق و یا حقوق ناچیز به حل و فصل اختلافات می‌پردازند. در رسیدگی‌هایی که در شورای حل اختلاف در روستاها و نقاط عشایری و حتی شهرهای با بافت قبیله‌ای صورت می‌پذیرد، از اصول حقوقی تبعیت محض نمی‌شود و به صورت پادرمیانی بزرگان و مصلحان با اهداف اخلاقی و با تکیه بر اصول اخلاقی، فصل خصومت انجام می‌پذیرد. بنابراین شورای حل اختلاف، از این ظرفیت برخوردار است که بر مبنای عدالت ترمیمی منبعث از آموزه‌های اخلاقی بهترین عملکرد را در رسیدگی‌های خود نمایان سازد.

قانون شوراهای حل اختلاف با ایجاد صلاحیت رسیدگی به بعضی از دعاوی کیفری در رسیدگی به جرائم، عملاً منتهی به کیفی‌زدایی نیز گردیده است؛ مطابق ماده ۹ این قانون در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و در مجموع تا سی میلیون ریال و یا سه ماه حبس باشد، صلاحیت رسیدگی و صدور رأی با شورای حل اختلاف می‌باشد و از طرفی دیگر در کلیه جرائم قابل گذشت و

۴-۱-۵. اصول اخلاقی: اصول اخلاقی یا گزاره‌های اخلاقی گزاره‌هایی است که در ناحیه موضوعشان یک فعل یا صفت اختیاری قرار گرفته و در ناحیه محمولشان یکی از مفاهیم هفت‌گانه (خوب، بد، بایسته، نبایسته، درست، نادرست، وظیفه) قرار دارد. دسته‌بندی‌های مختلفی در مورد اصول اخلاقی مطرح شده است که می‌تواند متأثر از مکاتب اخلاقی باشد، از جمله برخی، اصول اخلاقی قرآن را در سه محور رده‌بندی کرده و شامل اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق الهی دانسته‌اند (۴).

۵-۱-۵. میانجی‌گری: واژه میانجی‌گری در دو معنا به کار می‌رود: یکی میانجی‌گری بین دو طرف متعارض به منظور گذشت متجاوز توسط قربانی و یا کسی که از رفتار متجاوز آسیب دیده است یا حل اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو؛ در معنای دوم، میانجی‌گری به منظور بخشش گناه یا تخفیف مجازات فرد به کار می‌رود. این کلمه از (شفا) به معنای (جفت) گرفته شده است. گویی شفیع (شافعی) با تحمیل آبرو و حیثیت خود بر حاکم (مشفوع‌الیه) و قرارگرفتن در کنار شخص خطاکار (مشفوع‌له) شریک او شده است و سعی در رهایی او از عذاب دارد. آنچه در دایره‌المعارف جرم‌شناسی، مدخل میانجی‌گری آمده است، این نهاد به عنوان راهی برای انحراف از روند کیفری است که ممکن است در هر مرحله‌ای از لحظه وقوع جرم تا قبل از حضور متهم در دادگاه اتفاق بیفتد (۵).

۲-۵. عملکرد رسیدگی در شورای حل اختلاف بر اساس نظریه عدالت ترمیمی و اصول اخلاقی: از جمله آموزه‌ها و اهداف اخلاقی رسیدگی در شورای حل اختلاف دسترسی آسان و بدون هزینه و یا با حداقل هزینه به نظام تظلم‌خواهی است. در این شورا به موجب ماده ۲۳ مقرر شده است: «هزینه رسیدگی شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و غیر مالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد (۵۰ درصد)

که یکی از اهداف تشکیل شوراهای حل اختلاف، کاستن حجم ورودی پرونده‌ها باشد. در واقع، آنچه به عنوان «کاهش مراجعات مردم به دادگستری» مطرح شده است در مواقع گوناگون به عنوان یکی از اهداف اصلی ایجاد شوراهای حل اختلاف شناخته می‌شود، ضمن این که باید تلاش شود با کار دقیق علمی و با استفاده از علوم و فنون جدید هم از آمار جرائم و هم از آمار پرونده‌های حقوقی کاسته شود (۷).

البته این در حالی است که در نظام حقوقی ایران به زعم منتقدان، «در حقیقت، اگر بنا بود که با گسترش نهادهای رسیدگی‌کننده و به بیان دیگر با در پیش گرفتن راهکارهای ساختاری از بار پرونده‌های وارده به دادگستری کاسته شود، در نظام قضایی مورد قبول قانون اساسی باید تعداد دادگاه‌ها بیشتر می‌شد، نه اینکه پرونده‌های قضایی را از دادگستری خارج کرده و به یک نهاد غیر متخصص سپرده شود. چنین مسأله‌ای ضمن اینکه با قانون اساسی مغایر است با موازین شرعی نیز مغایرت دارد، چراکه نمی‌توان امر قضاوت را به غیر اهلس سپرد. مقنن می‌توانست از تجربه سایر کشورها در ارتباط با روش‌های جایگزین حل اختلاف استفاده کرده و با شناسایی و تقویت نهادهایی همچون سازش، داوری، مذاکره و میانجی‌گری از بار مراجعات مردم به دادگستری بکاهد، بدون آنکه نیاز به خروج از حدودی باشد که قانون اساسی برای نظام قضایی کشور ترسیم کرده است» (۸).

۳-۲-۵. سپردن امور مردم به دست خویش: وقتی بر اساس سازوکاری اخلاقی و بر اساس اصولی حقوقی و تعریف‌شده امور مردم به خصوص در خصوص حل و فصل اختلافات به خودشان سپرده می‌شود، قطعاً و یقیناً خروجی بهتری دارد تا اینکه یک خصومت کوچک به دادگاه کشیده شود و زمینه اختلافات بعدی را نیز فراهم آورد. در گذشته‌های دور، گروه اجتماعی که در دوره دادگستری خصوصی در قالب قبیله، طایفه و عشیره و ریش‌سفیدان و داوران نقش برجسته‌ای در حل و فصل اختلافات افراد ایفا می‌کرد، کم‌کم با نضج قدرت دولت و ظهور

جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت نیز شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌نماید.

۳-۵. اهداف شورای حل اختلاف با تکیه بر اصول اخلاقی: هدف اولیه از تشکیل نهاد شورای حل اختلاف بیشتر این بوده است که در روستاها و شهرهای کوچک مکانی برای حل اختلافات و سازش وجود داشته باشند و بر همین اساس شورای حل اختلاف تشکیل شد تا به مسائل کوچک و اختلافات موجود در بین افراد روستا رسیدگی کند. رویکرد جدید به شوراهای حل اختلاف بر اساس ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است، در این رویکرد، شورا اهداف توأمان حقوقی- اخلاقی را دنبال می‌کند که در ذیل به تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱-۵. حل و فصل اختلاف در راستای کاهش مراجعه مردم به دادگاه: در قرن بیستم همگام با صنعتی‌شدن کشورها و پیرو آن گسترش روزافزون جرائم و حجم وسیع پرونده‌های کیفری مشکلات عدیده‌ای را متوجه نظام عدالت کیفری نموده است و این امر هشداری جدی برای دستگاه عدالت کیفری تلقی می‌شود، در حالی که اصول حقوقی پاسخگویی نیازهای مردم نبود شورای حل اختلاف با پشتوانه مردمی و اخلاقی وارد عمل شد و در کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم موفق بوده است و این در حالی که حجم عظیمی از این پرونده‌ها در خصوص جرائمی است که در عین جزیبی بودن اهمیت آن هزینه‌های زیادی برای نظام عدالت کیفری فراهم آورده است (۶).

بر همین اساس، علیرغم همه فعالیت‌هایی که توسط قضات دادگستری به منظور حل و فصل اختلافات و رسیدگی به شکایات مردم صورت می‌گیرد، هنوز عدم رضایتمندی از عملکرد دستگاه قضایی در بین مردم شیوع و نمود دارد. بسیاری از مردم از ترس مشکلات قضایی از پیگیری حق خویش در دادگاه‌ها روی‌گردان شده‌اند. بنابراین منطقی است

حقوقی ببینند و در کنار هر کدام از آن‌ها یک شخص حقوقی از فارغ التحصیلان رشته حقوق حضور داشته باشد.

۳-۳-۵. رسیدگی در شورا و لزوم قضا‌دایی: قضا‌دایی به معنای خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم، از فرآیند اقدامات رسمی سیستم عدالت کیفری از جمله تدابیری است که امروزه به منظور دور کردن کنشگران فرآیند کیفری از آسیب‌های ناشی از تماس مستقیم آنان با سیستم عدالت کیفری، مورد توجه طرح‌ریزان و مجریان در نظام‌های حقوقی، قرار گرفته شده است. در همین راستا آموزه‌های اخلاقی نیز بر همین مورد تکیه دارند که اختلافات از مراجع غیر رسمی با تکیه بر اصول کدخدانمنشی حل و فصل گردد (۱۰).

در نظام حقوقی ایران، سیاست کلان دستگاه‌های قضایی و قانونگذاری در روی آوردن به فرآیند قضا‌دایی، ممکن است انعکاس طنین اصلاحات مدنی در حوزه دادگستری به شمار آید. به طور کلی، در نظام‌های دموکراتیک، کنترل قضایی و امنیتی شهروندان و زندگی آنان در سطح پایینی قرار دارد و اصل بر اباحه و آزادی اعمال و اندیشه‌های آن‌هاست، مگر آنکه قانونگذار بنا بر مصلحت‌های برتر با اطلاع قبلی و تحت شرایط خاص، به ممنوعیت و تعقیب برخی اعمال بپردازد. چنانچه قضا‌دایی با ارجاع رسیدگی‌های قضایی به نهادهای مردمی یا سازمان‌های غیر دولتی صورت پذیرد، گامی به سوی تقویت مشارکت‌های عمومی، رشد کرامت انسانی شهروندان و اقدامی به منظور حاکم کردن آن‌ها بر سرنوشت خویش به شمار می‌رود (۱۱).

امروزه سیاستمداران، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حقوقدانان به این نتیجه رسیده‌اند که نظام کیفری دولتی نه تنها قدرت مقابله با دعاوی، بالاخص دعاوی کیفری را نداشته، بلکه در بعضی از موارد می‌تواند موجب تحقق نیافتن عدالت و اجرای آن و ایجاد مانعی برای آن باشد و به همین دلیل افراتیون نظام اجتماعی نوین، خواهان حذف نظام عدالت کیفری بوده و

دادگستری عمومی از میزان قدرت و نفوذ آن در این زمینه کاسته شد و هر اندازه که جوامع به سمت پیشرفت و صنعتی شدن و دور شدن از سنت‌ها، آداب و رسوم قومی و محلی حرکت نمودند، اهداف و اصول اخلاقی رو به ضعف و کم‌رنگی پیش رفت و مشارکت و مداخله مردم، بیشتر رو به افول نهاد تا اینکه تداوم این وضعیت مسائل و مشکلات کثیری از قبیل افزایش لجام‌گسیخته قوانین کیفری، تورم جرائم و افزایش روزافزون هزینه‌های نظام عدالت قضایی، موجب شد که در چند دهه اخیر مشارکت مردم در فرآیند عدالت قضایی جنبه عملی به خود گیرد (۹).

بر همین اساس، امروزه دولت‌ها سعی در تقلیل فعالیت‌های خویش دارند، به گونه‌ای که با تکیه بر اصول اخلاقی بخشی از کارهای خود را به بخش‌های خصوصی واگذار می‌کنند. این امر نه تنها در امور اقتصادی و آموزشی، بلکه در امور قضایی نیز نمود پیدا کرده است. در امور قضایی توسعه مشارکت‌های مردمی، به خصوص در امور کیفری و تحت تأثیر سیاست جنایی مشارکتی، جلوه‌های خاصی پیدا نموده است که بارزترین آن تأسیس نهاد میانجی‌گری کیفری است که با پا در میانی بزرگان و مصلحان، در شوراهای حل اختلاف این امر به منصف ظهور رسیده است (۷).

بنابراین یکی از اهداف اخلاقی برشمرده برای شورای حل اختلاف که ریشه در افزایش رضایتمندی و امنیت اجتماعی دارد، تحقق «مشارکت مردمی» می‌باشد، یعنی هدف این است که با ایجاد نهادهایی که اقشار مختلف مردم بتوانند با حضور و عضویت در آن‌ها به حل و فصل اختلافات بپردازند، مشارکت مردمی توسعه پیدا کند (۸).

البته در همین راستا ایراداتی نیز به شوراهای حل اختلاف از لحاظ ساختاری وارد است، زیرا با وجود پشتوانه مردمی آن‌ها، متأسفانه بعضاً اعضا از بازنشسته‌های ادارات دیگر بوده و از سواد حقوقی کافی برخوردار نیستند. بنابراین لازم است که در این راستا تدابیری اندیشیده شود که حداقل آموزش‌های

جمله سیاست‌های خرد و فنی در این خصوص را می‌توان اصل «معقول و متعارف‌نمودن هزینه‌ها» و «نظریه انتقال هزینه‌ها» دانست که در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف حکم فرماست (۱۳).

در واقع یکی از مسائل مهم در دستگاه قضایی که جزء مسائل غیر قابل انکار دستگاه قضا محسوب می‌شود، اطلاع دادرسی است. اطلاع دادرسی در تعریف به معنای طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها و دادرها و مراجع شبه قضایی است که سابقه‌ای دیرینه در دستگاه قضایی کشور دارد. باید توجه داشت که امر قضا و مسأله خطیر دادرسی و رسیدگی به پرونده‌ها از حساسیت فوق‌العاده برخوردار بوده و در عین حال سخت و دشوار و بعضاً پیچیده است و باید اصل سرعت و تسهیل در آن رعایت گردد. طولانی‌شدن زمان رسیدگی و دادرسی و احساس صعوبت و سختی‌های حاصل از آن همچنان ذهن همه کسانی را که بخواهند بنا بر ضرورت دادخواهی و اقامه دعوا نمایند مکدر و مشغول کرده و گلايه‌مندی از اطلاع دادرسی در بین جامعه ملموس و غیر قابل انکار است. متأسفانه بعضی اوقات فرآیند دادرسی آنقدر به درازا می‌کشد که اگر حکم صادره به نفع دادخواه هم صادر شده باشد دیگر کار از کار گذشته است.

عوامل متعدد و متفاوتی در بروز اطلاع دادرسی نقش دارند که باید با آسیب‌شناسی آیین دادرسی و فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قضایی و همچنین توجه به حواشی موجود در این مسأله، عوامل و علت‌ها را شناسایی و در جهت رفع آن چاره و تدبیر مناسب اندیشید. از همین جهت، اگر شوراهای حل اختلاف بخواهند نقش خود را در توسعه قضایی و قضا‌دایی تقویت کنند، بایستی به اصل سرعت توجه نمایند و فرآیند دادرسی را کوتاه نموده، به نحوی که نهایتاً در مدت دو تا سه ماه پرونده مختومه گردد تا ریشه اطلاع دادرسی خشکانده شود.

۴-۵. اصول حقوقی و اخلاقی حاکم بر دادرسی در شورای حل اختلاف: اصول دادرسی اصول کلی، دائمی و

به غیر مؤثربودن این نظام سرکوبگر، تأکید داشته و حتی بر این عقیده‌اند که نباید از عناوین جرم و بزه در هنجارشکنی عاملان آن استفاده کرد (۱۲).

«با چنین دیدگاهی امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نهادهایی در کنار دستگاه قضایی وجود دارند که ضمن دارا بودن خصایصی که می‌تواند در اجرای عدالت و حل خصومات مؤثر باشد، بار سنگین دستگاه قضایی را به عنوان بخشی از نظام حکومتی آن‌ها، سبک می‌کند، از جمله این نهادها، نهادهای مردمی است که تصدی حل نزاع و فصل خصومت مردم را به عهده دارند. «شورای مردم» ایالت متحده آمریکا که به حل اختلافات مسالمت‌آمیز مردم می‌پردازد و ارجاع موضوع اختلافات به یک میانجی و انجمن حمایت از بزه‌دیدگان در بعضی از کشورهای اروپایی، نمونه‌ای از این نهادها است» (۸).

۳-۴-۵. سرشکن‌نمودن هزینه‌های دادرسی و ممانعت از طولانی‌شدن رسیدگی: از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت رسمی و دستگاه قضایی، اطلاع دادرسی و هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. طبیعی است که آسیب‌های برشمرده، فلسفه دادرسی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید. مفهوم کیفیت دادرسی که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد، که در صورت توجه به این عنصر در سیاست‌گذاری‌های راجع به رهیافت‌های بهبود و ارتقای کیفیت دادرسی می‌توان به ذخیره زمانی (صرفه‌جویی در زمان) و درونی‌کردن هزینه‌های دادخواهی دست یازید. کیفیت دادرسی در ادبیات داخلی بیشتر با رویکرد سلبی از قبیل اطلاع دادرسی، هم در رویه قضایی و هم بین دکترین حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین از جمله سیاست‌های کلان در جهت کنترل هزینه‌های دادرسی را می‌توان خصوصی‌سازی دادرسی، تخصص‌گرایی دادرسی و درونی‌کردن هزینه‌های دادرسی از طریق تصویب قوانین استاندارد در راستای تخصیص هزینه‌های دعاوی و دادرسی قلمداد کرد و نیز از

را، مفهومی مجزا از اصل استقلال دانسته و لزوم بی‌طرفی دادرسی را برای تضمین اجرای عدالت در دادرسی؛ و استقلال وی را به جهت احساس اجرای عدالت ضروری دانسته‌اند (۱۶). در واقع بی‌طرفی دادرسی صرفاً به رفتار و عملکرد دادرسی در حین دادرسی می‌پردازد و به وضعیت دادرسی قبل و بعد از دادرسی توجهی ندارد و در حین دادرسی، به عنوان شخص معینی که به کار قضاوت منصوب شده است، باید بی‌طرف باشد و از شخص یا اشخاص معین دیگری که در دادرسی ذی‌نفع هستند، جانبداری نکند. به بیان ساده دادرسی در دادرسی باید گرایشی به اطراف دعوا نداشته باشد (۱۷). این مهم در شوراهای حل اختلاف بیشتر ملموس است، چراکه در بافت قومی و قبیله‌ای که شوراهای حل اختلاف فعالیت می‌کنند (روستاها و عشایر) بیشتر ساکنین، از خویشاوندان سببی یا نسبی محسوب شده و ضرورت دارد که در این خصوص همواره سازوکاری ایجاد شود که اصل بی‌طرفی رعایت گردد.

سه تعریف از بی‌طرفی ارائه شده است: نخست، دادن اطمینان به طرف دعوا که کسی که به پرونده‌اش رسیدگی می‌کند قانون را نسبت به او و طرف دیگر یکسان اعمال خواهد کرد؛ دوم، نبود تعصب نسبت به یک عقیده حقوقی؛ سوم، اینکه قاضی باید در عین حفظ عقاید خود، به دیدگاه مغایر هم توجه کند، خصوصاً زمانی که پرونده‌ای در آن زمینه مفتوح است (۱۸).

در حقوق اسلام رعایت عدالت و بی‌طرفی و پرهیز از اعمال غرض، پایه و اساس دادرسی می‌باشد و خروج از مسیر عدالت و بی‌طرفی به منزله کفر یا شرک به خدا شمرده می‌شود. در اهمیت اصل عدالت و بی‌طرفی، به عنوان نمونه‌ای در قرآن کریم، خداوند متعال در آیه ۴۲ از سوره مائده می‌فرماید: «فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ پس اگر به نزد تو آمدند، خواهی میان آن‌ها داوری کن یا از

انتزاعی بوده که قوام هر دادرسی عادلانه در هر مرجعی را تشکیل می‌دهد و دارای کارکردهای گوناگونی، از جمله کارکردهای راهبردی و تفسیری می‌باشد. از همین جهت در شورای حل اختلاف نیز همچون سایر محاکم، رعایت اصول دادرسی جز لاینفک رسیدگی بوده و مورد تصریح مقنن در قانون مصوب ۱۳۹۴ نیز قرار گرفته است (۱۳). بدین ترتیب در این مبحث به شرح اصول بایسته دادرسی در شورای حل اختلاف پرداخته خواهد شد.

۴-۵-۱. استقلال در رسیدگی: این اصل هم در آموزه‌های اخلاقی و هم در اصول حقوقی لازمه یک دادرسی عادلانه است. لزوم رعایت استقلال و بی‌طرفی در شورای حل اختلاف از اهمیت بالایی برخوردار است و در قوانین مدون و رویه قضایی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال در نظام حقوقی ایران که اصول مختلف قانون اساسی من جمله اصول ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۴ به ترتیب به استقلال قوه قضاییه، نحوه گزینش قضات عادل و شایسته، مصونیت قضات و عدم نقل و انتقال قضات اشاره می‌کنند، بیان‌کننده استقلال و بی‌طرفی در سیستم قضایی است که شورای حل اختلاف نیز از این امر مستثنی نیست. به علاوه در قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری هم به خصوص موارد رد دادرسی و همچنین ایجاد نهاد دادسرا، علنی بودن دادرسی و تحقیق از گواهان و کارشناسان به مصادیق رعایت این اصل توجه شده است (۱۴). در قوانین کشورهای دیگر نیز به خاطر رابطه این اصل با حقوق بشر در اصول اساسی کشورها، به اصل استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی توجه شده است (۱۵). استقلال، به معنای مصونیت از نفوذ کنترل سیاسی اجرایی است و شامل استقلال دادگاه از لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتساب و در مقام انجام وظیفه است.

۴-۵-۲. اصل بی‌طرفی: جدای از مسائل حقوقی، اخلاق ایجاب می‌نماید که شخصی که بین دو نفر قضاوت می‌نماید، کاملاً بی‌طرف و مستقل عمل نماید. دکترین حقوقی، اصل بی‌طرفی

آنان روی برتاب و اگر روی برتافتی، هرگز هیچ زبانی به تو نمی‌رسانند و اگر داوری کردی میانشان به عدل و داد داوری کن، زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد.»

۳-۴-۵. اصل سرعت در رسیدگی: همان‌گونه که گفته شد، از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت قضایی و دستگاه قضایی، اطاله دادرسی است. طبیعی است که این امر، فلسفه دادرسی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید (۱۳). لذا در این خصوص سازوکارهایی که در شورای حل اختلاف صورت گرفته، بیشتر در راستای سرعت‌بخشیدن به رسیدگی است.

اصل سرعت یکی از مؤلفه‌های حق برخورداری از رسیدگی عادلانه محسوب می‌شود. حق برخورداری از محکمه عادلانه یکی از قانونی‌ترین حقوق بشری است و قوانین متعددی برای تفسیر و تشریح این حق ایجاد شده است. با وجود تنوع بیانی و استقرار حقوق مختلف محکمه عادلانه، دستگاه‌های بین‌المللی حقوق بشر حق برخورداری از یک محکمه عادلانه را تا حدود زیادی یکسان تعریف کرده‌اند. هدف از این حق، اطمینان از اجرای مناسب عدالت می‌باشد. حداقل حق محاکمه عادلانه شامل حق دادرسی عادلانه در دعاوی مدنی و کیفری به شکل زیر می‌باشد: ۱- حق باید در یک دادگاه صالح و بی‌طرف و مستقل شنیده شود؛ ۲- حق یک جلسه علنی و عمومی؛ ۳- حق در یک زمان معقول شنیده شود؛ ۴- حق داشتن وکیل؛ ۵- حق تفسیر. در ایالات متحده «قانون دادرسی سریع» به مثابه یکی از ملزومات رسیدگی عادلانه، از زمان به روزرسانی در سال ۱۹۷۹ تا حالا بدون تغییر باقی مانده است (۱۹).

شاید در بادی امر این‌گونه به نظر برسد که منظور از سرعت، در شوراهای حل اختلاف شتاب‌زدگی و عجله در کار قضاوت است، اما در واقع این‌گونه نیست، چراکه امر قضایی به لحاظ طبع و ماهیت خاص خود، نیاز به دقت و تعمق دارد و اشتباهات ناشی از بی‌توجهی به علت سرعت، آثار زیان‌باری در

پی خواهد داشت. همان‌گونه که از قول Montesquieu نقل شده است: «هرگز دستگاه عدالت آنقدر در معرض خطر قرار نخواهد گرفت که امر قضایی، فوری انجام شود» (۲۰). سرعت به معنای حرکت بدون وقفه دادرسی، در کمترین زمان ممکن، همگام با اصول دادرسی است (۲۱). به بیانی دیگر، سرعت، یعنی در دادرسی باید به نحوی گام سریع برداشته شود، بدون اینکه به حقوق اساسی افراد (اصل برائت و حق دفاع) و نظم عمومی و قضایی لطمه بزند. مقنن نیز توجه ویژه‌ای به آغاز و اتمام فرآیند دادرسی، در یک مهلت معقول و بدون تأخیر غیر موجه دارد و در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطه مدت زمان قانونی برای رسیدگی به یک دعوای کیفری را با عبارت «کوتاه‌ترین مهلت ممکن»، مهلت معقول معرفی می‌کند. مهلت معقول بر اساس روز نخست و روز پایانی، مشخص می‌شود که روز آغاز دادرسی، روز اعلام اتهام، صدور قرار جلب، شروع تحقیق از سوی پلیس، سلب مصونیت پارلمانی و... است، البته در اغلب موارد، روز آغاز دادرسی، روز اعلام رسمی اتهام از سوی مقام صالح و روز پایانی، روز صدور حکم از آخرین مرجع قضایی می‌باشد.

در دیوان عالی ایالات متحده، قضات باید پس از مشورت با وکیلان هر دو طرف، محاکمات جنایی را تنظیم نموده و در اولین زمان عملی و امکان‌پذیری، حداقل روزهای خاص برای دادرسی در یک دوره کوتاه‌مدت را لیست نمایند، بدین ترتیب به یک دادرسی سریع دسترسی پیدا می‌کنند (۲۰). نکته مهم این است که تمام فرآیند دادرسی، اعم از تعقیب، تحقیق، جلسه دادرسی و... در خصوص محکوم، تابع اصل سرعت است و دلیل آن این است که، هرچند امنیت و عدالت دو امر مهم هستند، اما آزادی مهم‌تر از عدالت و امنیت است و دولت‌ها و نظامات حاکم تا جایی که برای نظم و امنیت جامعه، ضروری است، حق دارند آزادی افراد را محدود کنند و اصل سرعت نیز بر این امر اصرار دارد که تا می‌شود زودتر رسیدگی انجام گیرد تا آزادی فرد، کمتر محدود شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های اصل

سرعت می‌توان به: ۱- نسبی بودن (رعایت سرعت در تمام جرائم به طور یکسان مورد توجه نیست و در برخی دعاوی اطاله دادرسی مفیدتر از سرعت است)؛ ۲- کلی بودن (در هر نوع رسیدگی اعم از جزایی، اداری و حتی حسبی لازم‌الرعایه است و محدود به نوع و شیوه خاصی از دادرسی نیست)؛ ۳- دائمی بودن (مقید به زمان خاصی نیست)؛ ۴- الزامی بودن (رعایت آن از سوی مقنن مورد تأکید بوده و عدم توجه به آن دارای ضمانت اجرا می‌باشد)؛ ۵- ارزشی بودن (مبتنی بر واقعیت‌هایی است که احتیاجات انسان را برآورده می‌سازد)، اشاره نمود (۲۲).

در همین راستا در قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ در ماده ۱۸ مقرر شده است: «رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری است.» بنابراین می‌توان اذعان داشت اصل سرعت به عنوان یکی از اصول و حقوق بنیادین کنشگران فرآیند دادرسی در قانون شورای حل اختلاف نیز باید مطرح نظر واقع گردد.

۴-۴-۵. اصل دادرسی علنی: علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استقلال و بی‌طرفی قاضی را تضمین می‌کند و به دلیل اینکه اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی‌تر و ملموس‌تر می‌نماید، باعث می‌شود که اعتماد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود. بی‌توجهی به افکار عمومی و برگزاری مخفیانه و غیر علنی محاکمات تردید در صحت عملکرد دستگاه قضایی را تقویت خواهد کرد.

بدین ترتیب از علنی بودن دادرسی به منزله یکی از شاخص‌های مهم دادرسی عادلانه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر مانند ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۶۷ و ۶۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر یاد شده است (۲۳). با وجود علنی بودن دادرسی، اقدامات خودسرانه

مقامات قضایی تحت کنترل درآمده، دادگاه نیز تحت تأثیر نهادهای دیگر قرار نمی‌گیرد. کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی و دیوان اروپایی در تصمیمات متعددی به اهمیت این حق اشاره نموده‌اند، به گونه‌ای که کمیته حقوق بشر حتی در محاکمه متهمان جرائم تروریستی هم بر علنی بودن دادرسی تأکید نموده است. باید توجه داشت که شرط علنی بودن نسبت به همه مراحل فرآیند قضایی اعمال نمی‌شود، بلکه تنها نسبت به مرحله استماع طرفین، یعنی بررسی شفاهی ادله و لوایح آن‌ها، ضرورت دارد. بر این اساس، کمیته حقوق بشر، رسیدگی استینافی را که محدود به امور حکمی است و به یک مسأله حقوقی مربوط می‌شود، از شمول شرط علنی بودن خارج دانسته است (۲۴). در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف معمولاً چون به صورت سازشی انجام می‌شود، این اصل بیشتر رعایت می‌گردد و بعد از توافقات اولیه که معتمدین شورا کسب می‌کنند، مجلسی برگزار می‌شود که به صورت علنی، به فصل خصومت می‌پردازند.

۵-۴-۵. اصل اتقان در دادرسی: از دیگر مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، رسیدگی توأم با سرعت و دقت است. اخلاق ایجاب می‌نماید که وقتی رسیدگی صورت می‌پذیرد تا آنجایی که امکان داشته باشد امور با سرعت ویژه دنبال شوند و ضمن سرعت، دقت نیز ملاک عمل باشد. در همین جهت رعایت دقت در دادرسی به بهبود کیفیت رسیدگی، استحکام، ثبات و پایداری آرا منجر می‌شود. سرعت در دادرسی کیفری، آنگاه ارزشمند است که همراه با دقت باشد، نه اینکه فرآیند کیفری به هر قیمتی کوتاه شود؛ گاهی اوقات، سرعت در فرآیند کیفری به نادیده‌انگاشتن و کنارگذاری حقوق متهمان می‌انجامد، زیرا تسریع بیش از اندازه در فرآیند کیفری، به جای پیشگیری از بزه‌کاری، موجبات کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی، عدم دسترسی به دادرسی عادلانه، افزایش اشتباه در زمینه زدن برچسب مجرمانه به شهروندان، بازخورد

اجتماعی منفی از عملکرد نظام کیفری و ناکارآمدی آن در بازدارندگی را فراهم می‌آورد (۲۵).

لذا با توجه به اهمیت موارد فوق، باید گفت که در کنار اصل سرعت، اصل دقت نیز باید مطمح نظر باشد، زیرا آنچه در درجه نخست حائز اهمیت می‌باشد، اجرای عدالت است نه سرعت در رسیدگی؛ به همین دلیل نباید در سایه سرعت، دقت در رسیدگی کمرنگ شود، چراکه در این صورت، عدالت نیز تحت الشعاع قرار گرفته و محقق نخواهد شد؛ به همین خاطر است که قانونگذار در برخی موارد از قبیل موارد اناطه (موضوع ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری) یا عدول از اصل کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم (موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری) به دلیل اهمیت دقت در دادرسی از سرعت در رسیدگی به نفع دقت بیشتر، صرف نظر کرده است.

عجله در اجرای عدالت به معنای نابودکردن عدالت است. بنابراین جلسات کافی دادرسی و معقولانه برای هر پرونده با در نظر گرفتن شرایط آن یک نیاز ضروری پیرامون عدالت قضایی است. اگر فرآیند دادرسی به نحو مناسب و در زمان متناسب انجام شود، نقش مؤثری در کاهش احتمال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی مکرر نیز خواهد داشت؛ از طرفی نظارت و دقت بر روند رسیدگی، علاوه بر ایجاد سرعت، سبب ارتقای کیفیت نیز خواهد شد، لذا می‌طلبد در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف، علاوه بر کمیت به کیفیت آرا و فرآیند رسیدگی نیز توجه ویژه‌ای مبذول داشته شود.

۵-۵. رویکرد میانجی‌گری در شوراهای حل اختلاف و

اهداف آن: در نظام دادرسی کیفری پیشین می‌توان جلوه‌های مختلف میانجی‌گری را مشاهده نمود که این جلوه‌ها تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. در میان نهادهای مذکور برخی از آن‌ها در نظام حقوقی ایران همچنان دارای حیات می‌باشند، همچون شوراهای حل اختلاف و برخی دیگر

همچون شورای داوری و خانه انصاف از میان رفته‌اند. در این رابطه باید به این مسأله توجه داشت که در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ انجام برخی از موارد میانجی‌گری به شوراهای حل اختلاف (که محصول دوران پیش از تصویب ق.آ.د.ک سال ۱۳۹۲ بوده است) واگذار شده و به منظور بررسی میانجی‌گری در قانون مذکور می‌بایست این نهاد را بررسی نموده باشیم؛ دیگر آنکه برخی از نهادهایی چون شورای داوری و خانه انصاف دارای عملکرد بسیار مطلوب و رضایت‌بخشی بوده‌اند، و برای شناخت، بررسی و واکاوی نهادهای ترمیمی ق.آ.د.ک جدید به ناچار می‌بایست که آن‌ها را شناخته و از تجربیات آن‌ها استفاده نماییم. به همین دلیل نهادهای اجرایی و قضایی جهت اجرای نهادهای ترمیمی فوق‌الذکر می‌بایست ضمن بررسی نهادهای ترمیمی سابق، از تجارب با ارزشی که در طی عملکرد آن‌ها به دست آمده است، استفاده نمایند (۲۶).

به طور کلی روش میانجی‌گری در شورای حل اختلاف اهداف ذیل را شامل می‌شود:

- بزه‌دیده این امکان را می‌یابد با بزه‌کار بنا به اختیار دیدار کند و بدون مراجعه به دادگاه و هزینه و اتلاف وقت به هدف خود برسد که این امر در شوراهای حل اختلاف و با وساطت بزرگان و مصلحین و ریش‌سفیدان رخ می‌دهد.

- بزه‌کار تشویق و ترغیب می‌شود که به مسؤلیت ناشی از جرم و درک وارد ساختن آسیب و تلاش برای جبران آن، واقف آید؛ این مهم با روش میانجی‌گری از سوی شورای حل اختلاف و نهادهای مردمی و پادرمیانی بزرگان، قابل تحقق است.

- فرصتی فراهم می‌آید که بزه‌دیده و بزه‌کار برای جبران خسارت توافق کنند و این توافق به صورت مردمی و بدون دخالت دستگاه قضایی محقق می‌گردد که خود نتایج مثبت و سازنده‌ای را در پی خواهد داشت.

۶. نتیجه گیری

شوراهای حل اختلاف با بهره‌گیری از نیروی انسانی مردمی و تجارب ارزشمند بزرگان و مصلحان و ریش‌سفیدان کارنامه مثبتی در رسیدگی‌ها ارائه داده‌اند، به گونه‌ای که نمونه آن در محاکم دادگستری یافت نمی‌شود. تجربه موفقیت‌آمیز شوراهای حل اختلاف نشان می‌دهد توده‌های سازمان‌یافته مردمی بهترین نیروهای پیشگیرانه از وقوع جرم در جامعه محسوب می‌شوند؛ هرچه دامنه حضور و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای حل اختلاف در حوزه پیشگیری از وقوع جرم بیشتر شود، مقابله موفقیت‌آمیزی را در کاهش آمار جرم و جنایت می‌توان مشاهده کرد و با کمترین هزینه مناسب‌ترین اثربخشی را در خصوص پیشگیری از وقوع جرم می‌توان شاهد بود. همان‌گونه که بیان گردید، شورای حل اختلاف اهداف حقوقی - اخلاقی را در رسیدگی‌های خود دنبال می‌کند که از موارد مهم اهداف این نهاد می‌توان به: ۱- حل و فصل اختلاف در راستای کاهش مراجعه مردم به دادگاه؛ ۲- سپردن امور مردم به دست خویش؛ ۳- رسیدگی در شورا و لزوم قضا دایی؛ ۴- سرشکن‌نمودن هزینه‌های دادرسی و ممانعت از طولانی‌شدن رسیدگی، اشاره نمود. این شورا به اصول حقوقی و اخلاقی حاکم بر دادرسی نیز پایبند است که از جمله این اصول می‌توان به: ۱- اصل استقلال در رسیدگی؛ ۲- اصل بی‌طرفی در رسیدگی؛ ۳- اصل سرعت در رسیدگی؛ ۴- اصل دادرسی علنی؛ ۵- اصل اتقان در دادرسی اشاره نمود که در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. شورای حل اختلاف در رسیدگی‌های خود به زمینه‌های فرهنگی و عوامل اجتماعی و قومی توجه داشته و با بهره‌گیری از آموزه‌های دین اسلام به اخلاق اسلامی پایبند می‌باشد و در نیل به اهداف و رسالتی که دارد، بین آموزه‌های دینی و اخلاقی پیوند برقرار می‌نماید. در رسیدگی‌های شورای حل اختلاف تعالیم قرآنی مد نظر است و قرآن برای پیشگیری از جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی، آموزه‌های تربیتی و

اصلاحی را پیش‌بینی نموده است، به گونه‌ای که آموزه‌ها و شیوه‌های دیگر (نظیر پیشگیری کیفری و وضعی) در این مقیاس، امر فرعی در فرآیند مبارزه با جرم محسوب می‌شوند. به هر تقدیر، سازمان‌های مردم‌نهاد مثل شورای حل اختلاف با تبعیت از اصول حقوقی و تأسی از آموزه‌های اخلاقی و قرآنی، رسالت بزرگی در انجام پیشگیری بر عهده دارند. افزایش تجربه بشر در زمینه ثمربخشی برخورد کیفری با پدیده مجرمانه نشان داده که نمی‌توان به صرف استفاده از ابزارهای کیفری امیدی به پیشگیری از وقوع جرم و کاهش میزان جرائم داشت.

۷. تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

در نگارش این مقاله، ناصر قاسمی به عنوان نویسنده مسؤول می‌باشد و یارالله کاکولوند و فرید محسنی، به عنوان همکار در تدوین آن ایفای نقش نموده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Babaei Heidarloo M. Comparison of Dispute Settlement Council with Restorative Justice Data. M.Sc. Thesis. Mashhad: Ferdowsi University; 2011. p.116. [Persian]
2. Abbasi M. Restorative Justice, A New Perspective on Criminal Justice. *Law and Policy Research*. 2003; 5(9): 85-129. [Persian]
3. Hayati AA. The Concept of "Legal Principle" and its Comparison with the "Legal Rule" (Comparative Study in Iranian and French Law). *Journal of Civil Law Knowledge*. 2019; 17(2): 15-26. [Persian]
4. Hematian AA, Makarem Shirazi N, Hashemian H. Selected moral verses from the book of ethics in the Quran. Qom: Ali Ibn Abitaleb Publications; 2015. p.236. [Persian]
5. Najafi Abrandabadi AH, Hashem Beigi H. Encyclopedia of Criminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2018. p.141. [Persian]
6. Heidarshenas Z. Restorative Justice in the Legal System of Iran and the United Kingdom, Relying on the Dispute Settlement Council. M.Sc. Thesis. Tehran: Islamic Azad University, South Tehran Branch; 2013. p.41. [Persian]
7. Fathi H. Critique and Review of Dispute Settlement Councils. *Jurisprudence and Law*. 2005; 1(4): 85-108. [Persian]
8. Salimizadeh T. The Role of Mediation Institutions and Dispute Settlement Councils in Complainant Pardon and Peace and Compromise. M.Sc. Thesis. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2016. p.32-33. [Persian]
9. Rostami V. people's participation in the criminal process (review of criminal policy in Western countries). *Quarterly Journal of Private Law Studies*. 2007; 37(2): 142-140. [Persian]
10. Gholami N, Muazzen Zadegan HA, Abbasi M. Mechanisms of Judgment of Criminals with Mental Disorders in the Preliminary Investigation Process with Emphasis on Patterns of Police Intervention (Comparative Study of Iranian and American Law). *Quarterly Journal of Medical Law*. 2017; 11(43): 53-67. [Persian]
11. Mahmoudi J. dejudicialization and Decriminalization from the Perspective of the Constitution and Administrative Law. *Theology and Law of Razavi University (Legal Teachings)*. 2006; 8(19): 105-122. [Persian]
12. Abbasianfar A. Dispute Settlement Councils, Manifestation of Civil Participation. Tehran: Judiciary Publications; 2008. [Persian]
13. Almasi NA, Habibi Dargah B. An Introduction to the Quality of Trial in the Efficient Trial Process. *Perspectives on Judicial Law*. 2012; 17(58): 24-38. [Persian]
14. Marandi MR, Issazadeh Ajirloo S. Principles Governing the Rules of Fair Arbitration in the Dispute Settlement Council. *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*. 2017; 3(2): 193-202. [Persian]
15. Ghasemi A. Independence and Impartiality of the Judiciary Based on the Opinions and Thoughts of Imam Khomeini. *Matin Scientific Research Quarterly*. 2009; 1(44): 75-98. [Persian]
16. Lew JD, Mistelis LA, Kröll SM, Kröll S. Comparative international commercial arbitration. Kluwer Law International BV; 2003.
17. Ghamami M, Mohseni H. Principles of Transnational Civil Procedure. Tehran: Mizan Publishing; 2011. p.59. [Persian]
18. Raban O. Judicial Impartiality and the Regulation of Judicial Election Campaigns. *Journal of Law and Public Policy, University of Folorida*. 2003; 15: 205.
19. Conway Anne C. Speedy Trial: The Path to Protecting the Rights of Citizens and Defendants. Florida; 2013. p.5.
20. Khazaei M. Theoretical and Practical Study of the Necessity of Acceleration in Criminal Procedure, Criminal Process (Collection of Articles). 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1998. p.143. [Persian]
21. Dehghani H. Time Management; Acceleration of proceedings. *Journal of Legal Excellence*. 2011; 3(12): 13-23. [Persian]
22. Sohrabi SY. The place of the principle of speed in a fair trial. M.Sc. Thesis. Tehran: Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran; 2014. p.22. [Persian]
23. Nikouei S. Requirements for public hearing of criminal proceedings in the light of a fair trial. *Legal Journal of Justice*. 2006; 70(56-57): 219-240. [Persian]
24. Razavifard B, Ghorbanzadeh H. The right to a public hearing as one of the defense rights of the

accused in the procedure of international criminal courts. *Legal Studies*. 2016; 7(1): 163-176. [Persian]

25. Ahmadi A. Reasonable Deadline: Prevention of Recurrent Victims. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*. 2010; 5(15): 59. [Persian]

26. Nosrati K. Comparison of Dispute Settlement Council and Mediation Institution in Iranian Criminal Law. *Journal of Legal Law Research*. 2018; 1(2): 323-346. [Persian]



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e27

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35022>



ORIGINAL RESEARCH



Legal and Ethical Principles and Purposes Governing Proceedings in the Dispute Settlement Council Based on Restorative Justice

Yarollah Kakolvand¹ , Nasser Ghasemi^{2*} , Farid Mohseni³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 16 April 2021

Accepted: 12 September 2021

Published online: 22 December 2021

Keywords:

Dispute Settlement Council

Proceedings

Legal and Moral Principles

Legal and Moral Goals

ABSTRACT

Background and Aim: In Dispute Settlement Council proceedings, a number of legal and ethical objectives and principles are always pursued. The goals include resolving disputes in order to reduce the number of people going to court, putting people's affairs in their own hands, dejudicialization, reducing litigation costs, and preventing lengthy proceedings and the violation of the rights of litigants. The pursuit of these goals should be within the framework of the governing principles envisaged for the Council on the basis of the teachings of restorative justice. The purpose of this article is to explain the ethical goals and principles governing the Dispute Settlement Council based on restorative justice.

Materials and Methods: The research method in this study is library or documentary. The method of documentary analysis, has been used in the present study; and the tool of data collection is filing of books and articles.

Ethical Considerations: From the beginning to the end of writing this article, the moral principles of honesty and fidelity have been observed.

Findings: The findings indicate that the Dispute Settlement Council pursues a number of legal and ethical goals that can sometimes be achieved by relying on principles such as the principle of independence, the principle of impartiality, the principle of speed, the principle of public hearing and the principle of certainty.

Conclusion: In resolving disputes by emphasizing the objectives based on restorative justice, it is essential to follow principles such as independence, impartiality, speed, public hearing and certainty. These principles will be the basis for achieving legal and ethical goals such as better settlement of disputes, putting people's affairs in their own, strengthening the proceedings in the council and dejudicialization, reducing the costs of litigation and preventing the prolongation of proceedings.

* Corresponding Author: Yarollah Kakolvand

Address: Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Postal Box: 1133913615

Email: dr.ghasemi76@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Kakolvand Y, Ghasemi N, Mohseni F. Legal and Ethical Principles and Purposes Governing Proceedings in the Dispute Settlement Council Based on Restorative Justice. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e27.

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)